

درس‌هایی از خطبه شعبانیه.....

سید محمد حسینی شاهرودی
استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

رمضان، ماه خدا، از ویژگی‌های بسیار ارزشمندی برخوردار است. بر همین اساس رسول خدا(ص) برای توجه بیشتر بندگان به این ماه، در جمعه آخر ماه شعبان خطبه‌ای ایراد کرد و فضائل این ماه مبارک و وظایف روزه‌داران را برشمرد که به خطبه شعبانیه معروف شد. آن حضرت در این خطبه به موارد مختلفی اشاره دارد که شرح آن در یک مقاله ممکن نیست. از این رو فقراتی از آن تحت عناوین ماه خدا، برکت، رحمت، مغفرت، برترین ایام، مهمانی خدا، احترام بندگان، تسبیح نفسها و عبادت بودن خوابها، قبولی عمل، استجاب دعا، نیت صادق و قلب طاهر، توفیق، روزه، قرآن و فضیلت تلاوت آن، بطور اختصار مورد بحث قرار گرفت. **کلیدواژه‌ها:** ماه رمضان، روزه، برکت، رحمت، میهمانی خدا، عبادت، قرآن و دعا.

مقدمه

بهترین گزینه برای نجات بشریت، هدایت است و برترین شیوه برای هدایت، همانا روشنگری، آگاهی بخشی و تربیت است و سخنرانی، وعظ، پندار و اندرز و تعلیم و تربیت، در شمار بهترین ابزار و روش‌های اطلاع‌رسانی و بیدارسازی قرار دارند. بدیهی است تبلیغ تنها از طریق منبر و تدریس نیست، بلکه در همه زمانها و مکانها و توسط همه انسان‌ها

امکان پذیر است؛ چنانکه مؤمن آل فرعون و آسیه، زن فرعون و حضرت موسی همه در کاخ فرعون تبلیغ خود را شروع کردند و برای ارشاد گمراهان بسیار کوشیدند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز از هر امکانی و در هر مکانی جهت تبلیغ دین استفاده می‌کرد، چه در مسجد و بر منبر و چه در جنگ و غیر آن، بندگان را به وظائف خود آشنا می‌ساخت. یکی از بهترین موقعیت‌ها برای تعلیم و تربیت، ماه مبارک رمضان است که رسول اعظم اسلام نیز از موعظه بهره گرفت و وظیفه مسلمانان را در آن ماه، به خوبی بیان فرمود.

روحانیون محترم و معزز نیز در این مسیر وظیفه سنگینی را بر عهده دارند، زیرا دنباله‌رو راه پیامبران و امامان (ع) هستند و رسالت آنان نیز همان رسالت است و باید پیوسته برای بیداری و آگاهی و تربیت مردم بکوشند و فعالیت‌های تبلیغی داشته باشند. در ماه خدا بهترین تبلیغ، بیان خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در جمعه آخر ماه شعبان ایراد کرد و این خطبه را علی بن فضال از پدرش و او از حضرت رضا (ع) نقل کرده است. آن حضرت نیز از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که علی علیه السلام فرمود: حضرت رسول روزی برای ما این خطبه را ایراد کرد.

شرح خطبه، رسول خدا صلی الله علیه و آله گرچه در یک مقاله امکان پذیر نیست، ولی در حد امکان به بررسی چند فراز آن به اختصار می‌پردازیم. امید است مورد بهره‌برداری و استفاده شما عزیزان قرار گیرد.

ماه خدا

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ؛ ای مردم، ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به سوی شما رو کرد.

شکی نیست که آنچه در عالم وجود می‌توان تصور کرد، مخلوق خدا است، ولی گاهی نظر به اهمیت و عظمت یک موضوع یا چیزی، تنها آن به خدا نسبت داده می‌شود؛ مانند: اینکه گفته می‌شود ماه خدا، خانه خدا، بنده خدا، کتاب خدا که در این موارد یک نوع خصوصیتی در کار است.

رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خداوند از میان خلقش، برخی چیزها را برای خود برگزید: او از بقعه‌ها، مکه و مدینه و بیت المقدس، و از شبها، شبهای

جمعه و شب نیمه شعبان و شب قدر و شبهای عیدین، و از روزها، روزهای جمعه و اعیاد و از ماهها، رجب، شعبان و رمضان می باشد. اما از بندگانش... من و اهل بیتم را برگزید.^۱

برکت

زیادی و فراوانی را که همراه با سعادت باشد، برکت گویند. قرآن را مبارک گویند چون بر کتب آسمانی دیگر زیادی دارد.^۲ راغب گوید: چیزی که در آن نیکی و خیر خداوندی استوار باشد، برکت گویند.^۳

بنابراین معنای برکت در ماه مبارک رمضان این می شود که چون بر ماههای دیگر از نظر مغفرت و رحمت زیادی دارد، ماه با برکتی خواهد بود. با این تعریف معنای عمر با برکت و روز و شب و ماه و سال با برکت نیز روشن خواهد شد که برکت در آنها تنها زیادی نیست، بلکه اگر زیادی در آنها توأم با سعادت و نیکبختی باشد برکت خواهد بود.

در برخی دعاها برکت در آنچه خدا عطا کرده، خواسته شده است مانند: «و بارک لی فیما اعطیت»؛ در آنچه به من بخشیده ای برکت قرار ده. و در دعای تعقیب نماز صبح آمده است: خدایا در این هنگام صبح در چنین روزی، آنچه از آسمان بر زمین فرو فرستی برکت برای دوستان و عذاب برای دشمنان قرار ده.^۴

برکت ماه مبارک رمضان نیز روشن است بویژه در روایتی که مرحوم صدوق (ره) از سعید بن جبیر نقل می کند، برکت این ماه بیشتر جلوه می نماید. سعید می گوید: از ابن عباس پرسیدم برای کسی که ماه رمضان را روزه بدارد و حق آن را بشناسد چه پاداشی مقرر شده است؟ ابن عباس گفت: آماده شو تا تو را به آنچه گوش های تو نشنیده و به دل تو خطور نکرده خبر دهم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: اگر بدانید برای شما در ماه رمضان چیست، هر آینه شکر خدا را زیاد خواهید کرد. آنگاه برای هر روز و شب ماه مبارک رمضان ثواب های بزرگی را شمرد و سپس فرمود: برای بهشت دری است به نام «ریان» که در روز قیامت برای روزه داران از مرد و زن از امت محمد (ص) گشوده خواهد گردید. رضوان که خازن بهشت است ندا می دهد: «یا امة محمد هلموا الی الریان»؛ ای امت محمد به سوی ریان بشتابید، سپس امت پیامبر (ص) از این در وارد بهشت خواهند شد. پس هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود، در چه ماهی آمرزیده خواهد شد؟! «و لا حول و لا قوة الا بالله، حسبتنا الله و نعم الوکیل».^۵

رحمت

توجه الهی و نیکی و بخشش خداوند، رحمت است. چون در این ماه بزرگ عنایات پروردگار و نیکی های او به بندگانش افزون بر تصور آدمی است، آن را ماه رحمت می خوانند. رحمت های پروردگار بر دو قسم است: مختص و مشترک.

رحمت مختص، به پیامبر اکرم و ائمه هدی (ع) اختصاص دارد، چنانکه در تفسیر آیه: «وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ»^۶ امام صادق (ع) می فرماید: مختص به رحمت خدا، رسول خدا و جانشین او است. خداوند ۹۹ قسمت از رحمتش را برای محمد و علی و عترت آن دو ذخیره گردانیده و یک قسمت دیگر آن را برای دیگر موجودات گسترانده است.^۷

رحمت مشترک، توجه و عنایت پروردگار است که شامل همه مخلوقات می شود. در وسعت آن همین بس که امام صادق علیه السلام می فرماید: زمانی که قیامت می رسد، خداوند رحمت خود را آن چنان می گسترد که ابلیس در رحمت خدا به طمع می افتد.^۸

روزی به امام زین العابدین (ع) گفتند: حسن بصری گوید: از کسی که هلاک شده، عجیبی نیست، بلکه عجب از کسی است که نجات یافته، که چگونه نجات یافته است؟! حضرت فرمود: من می گویم از کسی که نجات یافته عجیبی نیست که چگونه نجات یافته، بلکه عجب از کسی است که هلاک گشته، با این سعه رحمت خدا، چگونه هلاک گشته است؟!^۹ و نیز از آن حضرت روایت شده: مؤمن با وجود سه خصلت نابود نمی شود: ۱- گواهی دادن به خدای یکتای بی شریک، ۲- شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله، ۳- وسعت رحمت خدا.^{۱۰} اسباب رحمت: برای تحصیل رحمت واسعه الهی از اسباب و وسائل استفاده می شود، چنانکه در باب نماز و زکات خداوند می فرماید: به یاد دارید نماز را و زکات پیردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ امید است که مورد رحم قرار گیرید.^{۱۱}

درباره فرمانبرداری از خدا و رسول نیز در قرآن کریم چنین بیانی آمده است: از خدا و رسول پیروی نمایید، امید است که رحم شوید.^{۱۲}

در خصوص پیروی از قرآن و تقوا چنین دارد: «این قرآن کتابی است که ما آن را مبارک فرو فرستادیم. پس از آن پیروی کنید و خویشان دار باشید؛ امید است که مورد رحم قرار گیرید.»^{۱۳}

درباره استغفار چنین فرموده: «چرا از خدا طلب مغفرت نمی کنید، امید است رحم شوید.»^{۱۴}

و در موضوع اصلاح میان برادران^{۱۵} و شکیبایی در برابر مصائب و آزمایشها^{۱۶} و موارد فراوان دیگر که از اسباب رحمت شمرده شده است.

مغفرت

غفران و آمرزش این است که انسان خود را از اینکه عذاب به او برسد ننگه بدارد. بنابراین مغفرت بودن رمضان یعنی ماهی که بنده، خود را از رسیدن عذاب به او ننگه می‌دارد. شکی نیست که غفران و مغفرت الهی در تمام سال و هر لحظه شامل بندگانش خواهد شد و در قرآن حدود دویست و پنجاه آیه در خصوص آمرزش ذکر شده و روایات بسیاری در این زمینه آمده است، ولی ماه مبارک یک نحو اختصاصی به مغفرت الهی دارد، همان‌طور که نسبت به رحمت و برکت دارد.

آیات قرآن در موضوع مغفرت سه دسته است:

۱- آیاتی که دلالت دارد به اینکه خداوند برخی را نمی‌آمرزد. این دسته مربوط به کفار و مشرکین و منافقین است که اصرار دارند در این حالت بمانند و امید توبه در آنها نیست. مانند آیه: «به درستی که خدا نمی‌آمرزد آن که به او شرک ورزد.»^{۱۷} و آیه: «مساوی است بر آنها که برایشان طلب مغفرت نمایی یا استغفار نکنی؛ هرگز خداوند آنها را نمی‌آمرزد.»^{۱۸} و یا آنکه فرموده: «به راستی آنان که کافر شدند و قوم خود را از راه خدا بازداشتند. سپس در حال کفر مردند؛ پس هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد.»^{۱۹}

۲- آیاتی که دلالت دارد بر اینکه خداوند به طور حتم می‌آمرزد و در آن شکی نیست. این آیات مربوط به کسانی است که اهل ایمان باشند و از گناهان خود پشیمان و شرمسار باشند. چنان‌که می‌فرماید: «بگو ای پیغمبر برای کسانی که کافر شدند اگر از رویه خود برگردند، گذشته‌های آنان آمرزیده خواهد شد.»^{۲۰} آیات در این خصوص بسیار و روایات بی‌شمار است. ۳- آیاتی که دلالت دارد بر اینکه «خداوند هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد

عذاب می‌نماید.»^{۲۱}

یا این آیه که: «خداوند فقط مشرک را نمی‌آمرزد و غیر آن، هر که را بخواهد می‌آمرزد.»^{۲۲} این آیات مربوط به معصیت‌کارانی است که توبه نکرده باشند؛ البته آمرزش به دست خدا است، هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عقاب می‌کند (البته به اعتقاد شیعه، این آمرزیدن و نیامرزیدن، براساس عدالت بوده و خداوند به هیچ کس ظلم نمی‌کند).

برترین ایام

«شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيْلِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتِهِ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ؛ ماهی که برترین ماه‌ها نزد خدا است. روزهایش بهترین روزها و شبهایش برترین شبها و لحظه‌هایش ارزشمندترین لحظه‌هاست.»

تفاوت‌ها در بین مخلوقات گاهی ذاتی و یا عرضی خواهد بود. خورشید نورانی است. زمین ظلمانی و مملو از نباتات و حیوانات و انسانها و کره ماه خالی از نباتات و حیوانات و انسان‌ها است. دو انسان؛ یکی با پیروی از قرآن و اطاعت و بندگی و خویشتن‌داری و بی‌رغبتی به دنیا و آگاهی و بصیرت، به مقام عبودیت و بندگی می‌رسد و عبد صالح خدا می‌گردد و دیگری از معصیت و شهوترانی و طغیان و سرکشی و بی‌بند و باری مطرود در گناه خدا می‌شود. این تفاوت در ماه و سال و روز و شب و ساعت نیز می‌تواند باشد چنان‌که آیات و روایاتی بر آن دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

خداوند حالات گروه عاדרا چنین وصف می‌فرماید: «پس چگونه بود عذاب من در باره آنها به باد صرصر و ترسانیدن آنها بآبادی در نهایت سردی، دارای صدایی مهیب و وحشتناک که در روز نحس صولانی فرستادیم؟»^{۲۳} در سوره فلق نیز خداوند ما را سفارش فرموده که به خدا پناه بریم از شر آنچه آفریده و از شر شب و مانند آن.^{۲۴} روایات هم در این زمینه بسیار است. مثلاً در باب صدقه امام صادق (ع) فرموده است: هر گاه صبح کردی عطاکن صدقه‌ای را که نحسی آن روز را بر طرف سازد و چون شب کردی صدقه بده که نحسی آن شب را می‌برد.^{۲۵} در دعاها نیز بسیار آمده است که ما به خدا از نحسی‌ها و شرور پناه می‌بریم. امام صادق (ع) بعد از نماز مغرب چنین می‌فرمود: «و اعوذ بالله من انسان سوء و جار سوء و قرین سوء و یوم سوء و ساعة سوء و من شر ما یلج فی الارض و ما یخرج منها و منا ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر طوارق الیل والنهار؛^{۲۶} یعنی به خدا پناه می‌برم از انسان بد و همسایه بد و رفیق بد و روز بد و ساعت بد و از شر آنچه بیرون می‌آید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه به سوی آن بالا می‌رود و از بدی حوادث شب و روز.

بنابراین اگر پیامبر فرمود: ماه رمضان در نزد خدا بهترین ماه‌ها و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌ها است، مطلبی قابل درک است. البته پوشیده نیست که برتر بودن آن شامل همه افراد نخواهد شد، بلکه مخصوص افرادی است

که در فکر استفاده و بهره‌برداری از آن‌اند، و گرنه برای افرادی که شقی و بدبخت‌اند، جز زیان و خسران نخواهد بود و برای کسانی که در این ماه و در شب و روز آن به معصیت خدا اشتغال دارند و در فکر توطئه علیه مسلمانان و در صدد تضعیف دین و ضربه به پیکر اسلام و مسلمین هستند جز نحسی و عذاب تصور نخواهد شد.

مهمانی خدا

«هو شهر دعیتم فیہ الی ضیافۃ اللہ؛ رمضان ماهی است که به مهمانی خدا دعوت شده‌اید!»
ماه مبارکی که بندگان به مهمانی خدا دعوت شده‌اند. باید دید انگیزه این مهمانی چیست؟ میزبان کیست و مهمان کدام است؟ کارت دعوت چیست و نوع پذیرایی چگونه است؟ روزه‌دار در مهمانی خدا باید نکاتی را در نظر آورد:

۱- میزبان به هیچ وجه با میزبانهای دیگر قابل مقایسه نیست. میزبان همانا کریم، رحیم، غفار، تواب، غنی، مطلق، جواد، رزاق، رحمن، رب العالمین... است.

۲- میهمان چه فردی است؟ ناتوان، فقیر، محتاج، ذلیل، نادان، در مانده، بی‌کس؛ کسی که نه مالک حیات و نه مالک ممات است.

۳- ماه مهمانی: ماه مبارک رمضان همراه رحمت و مغفرت و برکت.

۴- نامه دعوت: کتب آسمانی که در رأس آنها قرآن کریم است.

۵- مأمورین دعوت: پیامبران، که سرآمد آنها پیامبر عظیم‌الشان اسلام است.

در این مهمانی باید آدمی قدر خود را بداند که چه لیاقتی پیدا کرده که پروردگار جهانیان او را به چنین مهمانی دعوت کرده و فرشته بزرگ خود، جبرئیل را مأمور نامه، و والاترین افراد بشر را مأمور ابلاغ ساخته که انسانها را به چنین مهمانی دعوت نمایند. بنابراین بدبخت کسی است که از این دعوت سرپیچی کرده و از چنین سفره احسانی که هر نعمتی را در بر دارد محروم ماند!

آمادگی مهمانی

همانطور که انسان در مهمانی‌های معمولی آداب رفتن به مهمانی را مراعات می‌نماید: خود را تمیز کرده، لباس فاخر می‌پوشد، عطر می‌زند و با کمال وقار و سنگینی به خانه میزبان

می‌رود و سعی می‌کند کار زشتی از او سر نزنند، در مهمانی خدا نیز باید به مراتب بیشتر از مهمانی‌های معمولی مراعات کند، به جای نظافت و شستشوی بدن باید روح را از معصیت و نافرمانی‌ها پاک سازد، روان خویش را سیقل داده، آن را از صفات زشت و ناپسند دور کند، ریشه حب دنیا را از دل بر کند و آینه فکر و اندیشه را از غبارهای سرکشی و طغیان پاک گرداند. قبل از ورود به ماه مهمانی باید بکوشد نخست توبه کند و این مهمانی را با طهارت ظاهری و باطنی بپذیرد؛ آن را با غسل و دعا و نماز و تلاوت قرآن و ذکر و صلوات و سجده شکر همراه سازد و تصمیم گیرد که در این مهمانی جز رضایت حضرت حق عملی صورت ندهد و هدفی نداشته باشد. بالاترین آرمان او رسیدن به خدا و قرب او و واصل شدن به آخرین درجه انسانیت باشد. از همه چیز بریده و به محبوب خود بپیوندد و بداند که در این مهمانی تمام سود شامل خود او خواهد گردید و میزبان نفعی از آن نخواهد برد. پس هدف از این مهمانی، احسان کامل میزبان به مهمان و کمال بنده نوازی است از خدایی بزرگ و مهربان.

نوع مهمانی

در مهمانی‌های معمولی نوعاً پذیرایی بر محور نیازهای بدن دور می‌زند، بهترین شربت‌ها، میوه‌ها، شیرینی‌ها و غذاهای لذیذ ارائه می‌شود. اما در مهمانی خدای بزرگ پذیرایی از روح و روان آدمی است. مهمانی معنوی است نه ظاهری. البته بدیهی است که انسان در تمام سال مهمان خداست؛ پس دعوت به مهمانی در ماه مبارک رمضان، دعوت دیگری است مافوق خوردنی و آشامیدنی و آن دعوت به نعمتهای اخروی و رسیدن به رضوان الهی است، که بزرگ‌ترین نعمت خداوند بزرگ است.

احترام به بندگان

«و جعلتم فیہ من اهل کرامۃ اللہ؛ در این ماه، اهل احسان و بخشش خداوندید.»

خداوند در این ماه احترام ویژه‌ای برای بنده خود قائل می‌شود و او را بزرگ می‌دارد. چنین کاری از خدای بزرگ نسبت به مخلوق و از مولی نسبت به بنده، دارای اهمیت بسیار است و روشن است که اگر خداوند کسی را از اهل کرامت قرار دهد، چه نتایجی را در بردارد؛ چنان‌که اگر کسی معتقد به بزرگی کسی شود، در مهمانی از او پذیرایی ویژه‌ای نموده، می‌کوشد طبق میل

او رفتار کند. برعکس اگر میزبان برای مهمان خودش ارزشی قائل نشود و برای او حسابی باز نکند و او را انسان ارجمندی به نظر نیاورد، البته خواسته او را عملی نخواهد کرد.

تسبیح نفس و عبادت خواب

«انفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عبادة؛ نفس های شما در این ماه تسبیح و خواب شما عبادت است.»

احسان خداوند چنان است که نفس ها را ثواب تسبیح می دهد و خواب را عبادت می نویسد و عمل آدمی را می پذیرد. خداوند در آیات بسیاری از قرآن، تسبیح را متذکر شده و در چندین آیه امر به آن نموده است: در یک سوره می فرماید: «پروردگار اعلی را تسبیح نما»^{۲۷} و در جای دیگر فرموده است: «به حمد پروردگارت تسبیح خدا کن.»^{۲۸}

پاداش تسبیح را پیامبر عزیز اسلام چنین بیان فرموده است: کسی که بگوید: «سبحان الله و بحمده» خداوند برای او هزار هزار حسنه می نویسد و هزار هزار گنااهش را نابود سازد و برای او هزار هزار درجه مقرر فرماید. کسی که زیادتیر بگوید، خدا هم زیادتیر خواهد نمود و کسی که طلب آمرزش کند، خدا او را خواهد بخشید.^{۲۹} حدود بیست و شش روایت به این مضمون در بحار الانوار نقل گردیده که به جهت اختصار به یکی از آنها بسنده شد. با این روایت و با آن کرامت روشن خواهد شد که روزه دار با نفس کشیدن در این ماه چقدر مورد محبت الهی قرار می گیرد.

از احسان های دیگر پروردگار در این ماه این است که بنده نوازی را به حدی رسانده که خواب روزه دار را نیز عبادت به حساب می آورد و از آن بالاتر آنکه به بنده خود آب و غذا می دهد و او را سیر و سیراب می نماید. چنان که امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: قیلوله (خواب کم قبل از ظهر) نمایید؛ زیرا که خداوند روزه دار را در خوابش غذا می خوراند و سیراب می نماید.^{۳۰}

قبولی عمل

«عملکم فیه مقبول؛ عمل شما در این ماه قبول درگاه الهی است.»

قبولی عمل یکی از آرمانهای بشر است؛ یک محصل، افتخارش به قبولی در آخر سال است،

یک انسان مؤمن نیز افتخارش به قبولی عملش نزد خداوند است. از این رو در اسلام سفارش شده، کاری کنید که سبب قبولی اعمال شما شود و از اعمالی بپرهیزید که مانع قبولی گردد. در حالات کفار و فاسقین، خداوند چنین عبارتی دارد: «بگو شما انفاق کنید، بارضایت یا بی میلی؛ از شما قبول نخواهد شد، چون ملت فاسقی هستید.»^{۳۱} در روایات هم فراوان آمده که معصیت سبب پذیرفته نشدن عمل می شود از جمله: «المعصية تمنع الاجابة». قبولی اعمال منوط به تقوا و پاکدامنی است که این معنی از قرآن هم استفاده می گردد.^{۳۲}

در اینجا این سؤال پیش می آید که با قبول نشدن عمل، انجام آن چه فایده ای دارد؟ باید گفت: اولاً؛ باید هشیار شود که چرا کاری کند که عملش مورد رضایت خدا قرار نگیرد و عبادتش مردود گردد؟!

ثانیاً؛ فائده آن نرفتن به دوزخ است، زیرا قبولی اعمال غیر از صحت آن است. در قبولی اعمال به پاداش رسیدن است و مزد عمل گرفتن؛ ولی اگر به سبب معصیت عمل قبول نشود، البته به آدمی پاداش نمی دهند، اما کتک هم نخواهد خورد؛ چون عقاب مخصوص ترک عمل است.

استجاب دعا

«دعائکم فیه مستجاب؛ دعای شما در ماه رمضان اجابت می شود.»

از برکات ماه مبارک و احسان میزبان کریم و میهمانی پرارزش، استجاب دعاست. خداوند بزرگ، خواسته مهمان خود را در این ماه، اگر به مصلحت او باشد، برآورده می سازد؛ چرا که خود، میهمان را دعوت کرده و میزبانان، خواسته های مهمانان خود را رد نمی کنند. دعا به معنای ندا، استدعا و استغاثه است.^{۳۳} خداوند درباره حضرت زکریا می فرماید: «اذ نادى ربه نداً خفياً؛ زکریا که پروردگار خود را نداء کرد، ندای آهسته. و درباره رزمندگان جنگ، بدر می فرماید: «اذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم»^{۳۴}؛ یعنی یاد کنید آن را که چون استغاثه می کردید از پروردگار خود که ما را بر دشمن پیروز ساز، اجابت کرد شما را. انگیزه دعا نیز این است که بشر از هر نظر ناتوان و ضعیف است و از طرفی در محیطی زندگی می کند که محل حوادث و هدف بلاها و عوارض جسمی و روحی بوده، انسان همواره آرزوی ترقی و تکامل و رسیدن به کمالات دنیوی و اخروی دارد و هدف عالی انسانیت

عبودیت است؛ لذا چاره‌ای ندارد جز آن که به ذیل عنایت معبودی چنگ زند که قادر متعال است. بنابراین کسانی که عقیده دارند باید تنها کارکرد و زحمت کشید نه دعا؛ سخت در اشتباه‌اند. چنانکه افرادی هم که می‌گویند: باید فقط دعا کرد و تلاش فایده‌ای ندارد و رسیدن به کمال بارنج و زحمت نیست، در اشتباهند. از قرآن و روایات و عقل این موضوع را به خوبی استفاده می‌کنیم که راه صحیح نه آن است و نه این؛ بلکه راه سومی است و آن این است که در هر کاری و در رسیدن به هر هدفی و به هر کمالی هم سعی و کوشش لازم است و هم دعا؛ زیرا به تجربه ثابت شده که این دو، چون دو بال‌اند که با یکی، پروازی شکل نمی‌گیرد!

قرآن در باب جنگ و جهاد با دشمن می‌فرماید: در برابر دشمنان آنچه را که از نیرو و مرکب توانایی دارید آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید^{۳۵} و از یک طرف پیامبر در جنگ خدای خود را می‌خواند که: «پروردگارا من مغلوب گشته‌ام، از دشمن انتقام مرا بگیر!»^{۳۶} یا مثلاً درباره علم بدین مضمون روایت شده: ز گهواره تا گور دانش بجوی. (اطلبوا العلم من المهد الی الحد). و نیز: طلب علم کنید ولو در چین باشد. (اطلبوا العلم ولو بالصین) ولی از طرفی خداوند به پیامبرش سفارش می‌کند: بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن (و قل رب زدنی علما).

جایگاه دعا

دعا از موضوعاتی است که در قرآن فراوان از آن یاد شده و از باب نمونه به چند آیه از آن می‌پردازیم:

حضرت زکریا از خدا می‌خواهد: «خدایا مرا تنها مگذار و حال اینکه تو بهترین ارث برندگان»^{۳۷} حضرت سلیمان می‌گوید: «خدایا به من سلطنتی ده که پس از من برای کسی سزاوار نباشد.»^{۳۸} حضرت نوح عرضه می‌دارد: «پروردگارا احدی از کفار را بر روی زمین باقی مگذار.»^{۳۹} حضرت یونس در آن تاریکی‌ها در میان شکم ماهی، و حضرت ایوب بعد از گرفتاریش به بلاهای فراوان، حضرت موسی در هنگام مأموریتش به سوی فرعون، حضرت ابراهیم و سایر انبیاء که همگی در تمام مواقع به سوی خدا نالیدند و واژه‌های «ربنا» و «رب» در قرآن روشنگر این معنا است.

علاوه بر آنکه در آیات چندی، خداوند عظمت دعا را بیان فرموده، در یکجا چنین می‌فرماید: «بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارتان به شما چه توجهی خواهد نمود؟!»^{۴۰} و

در آیه ای چنین فرموده: «بگو مرا بخوانید، شما را اجابت خواهم کرد. براستی کسانی که از بندگی من سرپیچی می نمایند زود است که در جهنم ذلیل و خوار در آیند.»^{۴۱}

در آیات بسیاری دستور دعا را هم داده است، مانند اینکه می فرماید: «بگو پروردگارا علم زیاد به من مرحمت کن.»^{۴۲} و «بگو پروردگارا پدر و مادرم را رحمت کن؛ چنان که مرا در کوچکی تربیت نمودند.»^{۴۳} «بگو به پروردگار فلق پناه می برم.»^{۴۴} و آیات بسیار دیگری که ما را به سوی یک برنامه اصیل و یک موضوع بسیار مفید و لازم سوق می دهند.

لزوم دعا و اهمیت آن، در روایات بسیاری از محمد و آل (ع) نقل گردیده که از باب نمونه به برخی اشاره می شود: پیامبر اکرم (ص) فرمود: دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است.^{۴۵} امام صادق علیه السلام می فرماید: به درستی که دعا قضا را برطرف می سازد.^{۴۶} و از آن حضرت روایت گردیده: بر تو باد به دعا؛ زیرا در آن شفای هر دردی است.^{۴۷} و نیز فرمود: به درستی که دعا از اسلحه آهنین مؤثرتر است.^{۴۸} آن حضرت می فرماید: «علیکم سلاح الانبیاء، فقیل و ما سلاح الانبیاء؟ قال الدعاء»؛ بر شما باد به سلاح انبیاء. گفته شد سلاح انبیاء چیست؟ فرمود: دعا.

مواعن اجابت دعا

این که تصور شود دعا مستجاب نمی شود، قابل قبول نیست. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: هیچ مسلمانی نیست که خدا را بخواند مگر آنکه دعایش را مستجاب کند؛ یا در دنیا به او مرحمت می کند و یا برای او ذخیره می نماید و یا کفاره گناهان او قرار می دهد.^{۴۹} ولی احساس عدم استجابت به خاطر موارد زیر است.

- ۱- اثر دعا چنان نیست که همیشه محسوس باشد. چه بسیار از حوادث و بلاها که امکان داشت اگر دعاها را نبود، دچار آن می شدیم.
- ۲- بسیاری از دعاها به هدف اجابت رسیده، ولی مابقی توجه به آن، اندیشیده ایم مشکل خود به خود حل شده است!
- ۳- گاهی انسان برای موضوعی دعا می کند که از نظر خداوند اجابت آن به صلاح انسان نیست.
- ۴- انسان در اجابت دعا تعجیل دارد و می خواهد همان لحظه ای که دعا می کند نتیجه اش را ببیند، در صورتی که در تأخیر آن مصلحت است. چنان که به روایت از امام صادق (ع)،^{۵۱}

استجاب دعای موسی و هارون که بر فرعون نفرین کردند، چهل سال طول کشید. با اینکه خداوند به آنها فرموده بود: به تحقیق دعای شما مستجاب شد.^{۵۲}

گاهی علت تأخیر، قطع نشدن مناجات بنده است. چون خداوند دوست دارد بنده‌اش به درگاهش ناله کند. روایات در این باب بسیار است مانند اینکه: وقتی خداوند بنده‌اش را دوست دارد به فرشتگان که بر او مأمورند دستور می‌دهد: حاجت او را تأخیر اندازید تا مرا بخواند؛ زیرا که من صدای او را دوست دارم.^{۵۳} و هنگامی که بنده‌ای را دشمن دارد به فرشتگان که مأموریت بر او را دارند، فرمان می‌رسد، حاجت او را آسان دارید، یاد مرا از ذهن او ببرید، زیرا من صدای او را ناخوش دارم.^{۵۴}

۶- گاهی اثر اجابت دعا در آخرت معلوم می‌گردد و پروردگار اجابت آن را ذخیره آخرت می‌نماید، برای اینکه دوست دارد بنده‌اش را در آنجا پذیرایی کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مؤمن در آخرت آرزو می‌نماید: به دلیل عظمت پاداش اخروی، کاش از او در دنیا هیچ دعایی مستجاب نمی‌شد!^{۵۵}

۷- ممکن است جلو اجابت ما را گناهانی گرفته باشد که همچون سدی مانع از اجابت دعا گردد؛ در دعاها می‌خوانیم: خدایا برای من گناهانی را بپامرز که دعا را حبس^{۵۶} و یا دعا را رد می‌کند.^{۵۷}

روز جمعه‌ای، حضرت علی علیه‌السلام خطبه می‌خواند. شخصی پرسید: چگونه است که خدا فرمود: مرا بخوانید دعای شما را اجابت می‌کنم،^{۵۸} ولی ما می‌خوانیم و اجابت نمی‌شود؟ حضرت فرمود: همانا دل‌های شما به سبب هشت خصلت خیانت نمود:

اول- شما خدا را شناخته‌اید، ولی حق او را آن‌چنان که بر شما واجب کرده، اداء ننموده‌اید. چنین شناسایی شما را نفع نبخشیده.

دوم- شما به پیامبر او گرویده‌اید، آنگاه با سنت او مخالفت ورزیده و شریعت او را میرانده‌اید! پس کجاست ثمره ایمان شما؟

سوم- کتاب خدا را که بر شما نازل شده خواندید، ولی به آن عمل ننموده، گفتید ما شنیدیم و اطاعت کردیم آنگاه مخالفت نمودید!

چهارم- شما گفتید: ما از آتش هراسانیم، ولی با گناهاتان به سوی او می‌شتابید! کجاست

ترس شما؟

پنجم - به درستی که منطبق شما این است: ما به بهشت رغبت داریم و مشتاق آن می‌باشیم؛ ولی پیوسته کرهایی که شما را از آن دور می‌سازد انجام می‌دهید! پس کجاست رغبت و میل شما نسبت به آن؟

ششم - شما نعمت مولا را می‌خورید ولی از آن سپاس‌گزاری نمی‌کنید.

هفتم - خداوند شما را به دشمنی با شیطان فرمان داده و فرمود: بدرستی که شیطان برای شما دشمنی است او را دشمن بگیرید.^{۵۹} اما مخالفت خدا را کردید و با شیطان به جهت مخالفت نکردن با او دوست شده و از او پیروی نموده‌اید.

هشتم - شما عیب‌های مردم را مقابل چشم‌های خود قرار داده و عیوب خود را پشت سر انداخته‌اید؛ کسانی را سرزنش می‌کنید که خود سزاوارتر به سرزنش هستید. پس با این حال چه دعایی مستجاب خواهد شد در صورتی که شما درها و راه‌های اجابت را بسته‌اید! پس از خدا بپرهیزید و عمل‌های خود را اصلاح کنید و نیت‌های خود را خالص سازید و امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خدا دعای شما را به اجابت برساند.^{۶۰}

نیت صادق و قلب طاهر

«فاسئلوا الله ربکم بنیات صادقة و قلوب طاهرة؛ خدا را با نیت‌های صادق و قلب طاهر بخوانید.»
دعا شرایط و آدابی دارد و در اجابت دعا مراعات جهاتی لازم است که اگر کسی آنها را رعایت کند، دعا به اجابت نزدیکتر می‌گردد. برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- شناخت کامل در حق پروردگار بزرگ.
- ۲- ارتباط کامل با او.
- ۳- توجه کامل در وقت دعا.
- ۴- اصرار در طلبیدن و گریه و زاری نمودن.
- ۵- بازبان راستگو و دل پاک و سینه ترسناک خدا را خواندن.^{۶۱}
- ۶- مراعات، زمان و مکان را نمودن.
- ۷- در تمام حالات به سوی او رفتن نه فقط زمان گرفتاری و شدت.
- ۸- با امید کامل دعا کردن.

۹- در اول دعا مدح و ثنای خدا کردن و در ابتدا، وسط و آخر آن بر پیغمبر و آل صلوات فرستادن و طلب مغفرت برای گناهان نمودن.

۱۰- بایسم الله الرحمن الرحيم شروع کردن و به ماشاء الله لا قوة الا بالله ختم نمودن.^{۶۲}

توفیق روزه

«ان یوفقکم لصیامه؛ از خدا بخواهید که شما را موفق به روزه‌داری در این ماه گرداند.»
توفیق، سوق دادن اسباب و روگرداندن آن به سوی مطلوب خیر است.^{۶۳} موضوع توفیق و موفقیت یکی از موضوعاتی است که پیوسته در هر کاری همه ما در انتظار آن بوده و از پروردگار آن را مسئلت می‌داریم. در آیات، روایات، دعاها و زیارات نیز بسیار از آن نام برده شده است. شعیب پیغمبر به قوم خود می‌گوید: «من اراده نکردم مگر اصلاح را به اندازه استطاعت خود و موفقیت من نیست مگر به وسیله خدا، بر او توکل دارم»^{۶۴} همین عبارت از علی علیه‌السلام در نامه به معاویه نقل شده است.^{۶۵}

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: چنین نیست که هر کس قصد چیزی را کرد بر آن توانایی داشته باشد و یا هر که توانایی پیدا کرد بر آن توفیق پیدا کند و نه هر که توفیق پیدا کرد به آن برسد بلکه وقتی قصد و توانایی و توفیق جمع گردند نیکبختی تمام است.^{۶۶}

جابر از امام باقر علیه‌السلام از معنای لا حول و لا قوة الا بالله می‌پرسد. حضرت می‌فرماید: یعنی برای ما توانایی ترک معصیت خدا نیست مگر به یاری خدا، و برای ما توانایی بر طاعت خدا نیست مگر به توفیق خدای عز و جل.^{۶۷}

و از حضرت جواد الائمه علیهم‌السلام نقل شده که فرمود: مؤمن به سه چیز نیاز مند است: توفیق از جانب خدا، و واعظی از خودش و پذیرفتن از کسی که او را نصیحت می‌کند.^{۶۸}

روزه

در قرآن و روایات، از روزه با تعبیرهای مختلفی، از جمله صبر یاد شده است: «از صبر و نماز طلب مدد نمایید»^{۶۹} و یا با لفظ سیاحت، «سیاحت کنندگان و رکوع نمایندگان و سجده کنندگان»^{۷۰} و غالباً از آن به صوم و صیام تعبیر شده؛ درباره اصل مشروعیت روزه فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شمار روزه نوشته شده، چنان‌که بر پیشینیان شما نوشته شده. امید است که خویشتان دار شوید.^{۷۱}

آثار و فواید روزه

آیات بسیاری در قرآن بر لزوم روزه و فوائد آن اشاره دارد، و روایات فراوانی در خصوص آن وارد شده است؛ هر چند اگر فائده‌ای جز فرمانبرداری از مولای حقیقی، و خدای بزرگ نداشت، برای ما کفایت می‌کرد. اینک به برخی آثار توجه کنید.

۱- تقوی و خویشتن‌داری: تقوی صفتی است که در هر کس پیدا شود محبوب خدا خواهد گردید، و آثاری که بر تقوا بار است شامل روزه‌دار نیز می‌گردد.

۲- یار و مددکار آدمی است.^{۷۲}

۳- صورت شیطان را سیاه می‌کند. امام صادق(ع) به نقل از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روزه‌داری، باعث روسیاهی شیطان می‌شود.^{۷۳}

۴- بدن را پاک خواهد کرد، و رشد و نمو به آن خواهد داد.^{۷۴}

۵- فرشتگان بر او درود فرستند.^{۷۵}

۶- در عبادت خداست گرچه خواب باشد، تا زمانی که غیبت مسلمانی را نکند.^{۷۶}

۷- فرشتگان او را دعا کنند،^{۷۷} و حضرت رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل از سوی پروردگار خبر داد: من احدی از فرشتگانم را فرمان ندادم، که برای فردی از مخلوقم، طلب آمرزش کنند، مگر آنکه برای آنها در آن اجابت خواهم کرد.^{۷۸}

۸- فرشتگان خود را به صورت او می‌مانند، و به او مژده می‌دهند.^{۷۹}

۹- پروردگار فرشتگان را شاهد بگیرد که او را آمرزیدم.^{۸۰}

۱۰- نفس او تسبیح است. چنانکه از این خطبه استفاده می‌شود.

۱۱- در نزد خدا محترم و گرامی خواهد بود و دعای او مستجاب خواهد شد.

۱۲- پاداش عمل او چندین برابر داده خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

روزه، واجبی است پاداش داده شده، و در نزد خداست چندین برابر.^{۸۱}

۱۳- سپر از عذاب و آتش و از خطرات دیگر است.^{۸۲}

۱۴- پاداش آن با خود پروردگار است. از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که: خدای تبارک و

تعالی فرمود: هر عمل فرزند آدم، برای اوست جز روزه که آن برای من است و من پاداش آن هستم (یا آنکه من پاداش آن را خواهم داد).^{۸۳}

۱۵- یکی از درهای بهشت، مخصوص روزه‌داران است؛ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که برای بهشت دری است: که به ریان خوانده می‌شود، از آن داخل نمی‌شود مگر روزه‌داران.^{۸۴}

۱۶- اعمال او قبول خواهد گردید.^{۸۵}

۱۷- برای اوست خوشحالی دنیا و آخرت، و بوی دهان روزه‌دار نزد خدا از مشک خوشبوتر است.^{۸۶}

۱۸- موجب صحت بدن است^{۸۷} و از نظر پزشکی نیز ثابت گردیده است.

۱۹- در فصل گرما بالاترین جهاد است.^{۸۸}

۲۰- زیربنا و اساس اسلام است. امام صادق علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار است: بر نماز، زکاة، روزه، حج و ولایت.^{۸۹}

۲۱- در صورتی که شرائط را مراعات کند، و روزه خواص را بگیرد، از گناهان بیرون آید، مثل روزی که از مادر متولد گشته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ای جابر، این ماه رمضان است، کسی که روزش را روزه بگیرد، و شب را به عبادت به سر برد، و شکم و عورت خود را از حرام نگه دارد، و زبانش را حفظ نماید، از گناهانش بیرون رود مانند بیرون رفتن او از ماه (رمضان).

جابر گفت: چه حدیث خوبی است! حضرت فرمود: ای جابر چقدر سخت است این شرطها!^{۹۰}

۲۲- عواطف انسانی را بیدار می‌کند. ثروتمند به یاد فقیر و در مانده می‌افتد و گرسنگی و محرومیت او را در زندگی لمس می‌نماید که این خود یکی از فوائد بزرگ ماه روزه و روزه‌داری است.^{۹۱}

۲۳- آدمی را به یاد قیامت می‌اندازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به یاد آورید از گرسنگی و تشنگی خود، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را، که چنین عملی در پاکی، و ایمان و تقوای روزه‌دار بسیار مؤثر است.^{۹۲}

۲۴- یک نوع مساوات از جانب خداوند پدید خواهد آمد که فقیر و غنی همه در یک زمان گرسنه و تشنه، و در یک حالت هستند و امتیازی میان آنها نیست.^{۹۳}

۲۵- شهوات و خواهش‌های نفسانی شکسته خواهد شد.^{۹۴} این فائده جامعه را از

بسیاری از آلودگی‌ها محافظت می‌نماید، به همین جهت در ماه مبارک رمضان، از تخلفات و جنایات بسیار کاسته می‌شود.

۲۶- اراده را قوی می‌کند.

۲۷- جهاد اکبر است، زیرا با این عمل بر دشمن درونی پیروز گشته، و مقدمه‌ای برای پیروزی بر دشمن بیرونی است.

تلاوت قرآن

«فاسئلوا الله ربکم... أن یوفقکم لتلاوة کتابه؛ از خداوند بخواهید شما را به تلاوت قرآن موفق سازد.»

قرآن کتابی است جامع، و برنامه‌ای است کامل که از سوی پروردگار دانا و حکیم توسط مأمور خود، جبرئیل امین به بزرگ‌ترین معلم بشر، پیامبر الهی (ص) فرود آمده است. قرآن کتابی است که ما را به غیب آگاه و به قصص انبیاء و تاریخ پیشینیان آشنا می‌سازد. قرآن کتابی است انسان‌ساز، روح‌بخش و روشنگر. کتابی است که هر چه خواهی در آن موجود، و تمام حقائق از آن جلوه‌گر است. قرآن کتابی است که هر دانشمند طبق تخصص خود از آن بهره‌مند می‌گردد. قرآن دواي هر درد، و کلید هر مشکل، و شفای هر مرض، راهنمای هر گمراه و چراغ هر حیران است. کتابی که با وجود این همه دشمن، تا به حال احدی نتوانسته، مانند آن بیاورد، و یا از آن مختصر ایرادی بگیرد.

قرآن از دیدگاه قرآن

در شصت و یک سوره قرآن توصیف شده، که برای نمونه به چند آیه از آن اشاره می‌نمائیم:

۱- اگر شما درباره آنچه ما بر بنده خود فرو فرستادیم، در شبهه هستید، پس مانند یک سوره آن بیاورید.^{۹۵}

۲- بگو اگر تمام انس و جن اجتماع کنند، تا مانند این قرآن بیاورند، نمی‌توانند؛ گرچه بعضی آنها مددکنار بعضی دیگر گردند.^{۹۶}

۳- آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از نزد غیر خدا بود هر آینه در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.^{۹۷}

۴- به درستی که قرآن را فرو فرستادیم، و همانا ما آن را نگهبانیم.^{۹۸}

- ۵- به درستی که آن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است. روح الامین (جبرئیل) آن را بر دل تو فرود آورده تا از ترسانندگان باشی.^{۹۹}
- ۶- ماه رمضان آن ماهی است که در آن قرآن نازل شده است برای مردم، هدایت و دلپهای روشن و جداکننده‌ای است.^{۱۰۰}

قرآن از دیدگاه روایات

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من دو چیز گرانبها را در میان شما می‌گذارم و می‌روم: یکی از آنها بزرگتر از دیگری است، کتاب خدای تبارک و تعالی ریسمان کشیده شده از آسمان بر زمین، و عترت من اهل بیت من هستند. پس بنگرید که بعد از من چگونه درباره آنها رفتار می‌نمایید!^{۱۰۱}

۲- ابن عباس می‌گوید: برای خدای بزرگ سه چیز محترم است که مانند آنها چیزی نیست: کتاب او که نور و حکمت اوست، خانه‌ای که آن را قبله مردم قرار داده که توجه به غیر آن را از احدی نمی‌پذیرد، عترت پیغمبر شما محمد صلی الله علیه و آله.^{۱۰۲}

۳- پیامبر اکرم فرمود: کسی که به او قرآن عطا شده، پس دیگری را ببیند که به او چیزی داده شده و آن را بهتر از آنچه به او داده شده (قرآن) بینگارد، در حقیقت بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ دانسته!^{۱۰۳}

۴- پیامبر اکرم فرمود: به من پنج چیز داده شده که به پیغمبری قبل از من داده نشده است... به من جوامع الکلم (قرآن) داده شده است.^{۱۰۴}

۵- علی علیه السلام درباره قرآن فرمود: بر شما باد به کتاب خدا، زیرا آن ریسمانی است ثابت و محکم، و نوری است و روشنگر، و شفابخشی سودمند. سیراب شدن است که تشنگی را برطرف می‌کند، و برای چنگ زنده نگهدارنده است، و برای آویخته‌هایی. کجی در آن نیست تا راست گردد، از حق و حقیقت بر نمی‌گردد تا از آن دست برداشته شود و تکرار بسیار آن را کهنه نمی‌گرداند، کسی که سخنش قرآن باشد راستگو، و هر کس عمل به آن کند پیشی گرفته است.^{۱۰۵}

فضیلت تلاوت

خواندن قرآن و تدبیر در آن در تمام سال یکی از برنامه‌های هر فرد مسلمان متعهد و مسئول است، و باید به طور دائم با قرآن محشور باشد، ولی ماه مبارک ویژه قرآن است. لذا پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از خدا توفیق تلاوت کتاب خدا را در این ماه بخواهید. در روایات فضیلت و پاداش بسیاری برای خواندن قرآن ذکر شده است.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که قرآن بخواند بی نیاز است، و بیچارگی بعد از آن نیست.^{۱۰۶} و هر که قرآن بخواند در حالی که جوان با ایمان است، قرآن با گوشت و خونس مخلوط خواهد شد، و خداوند او را با انبیاء و ائمه محشور کند و قرآن در قیامت مدافع او خواهد گردید. و می گوید: پروردگارا برآستی هر عمل کننده ای به پاداش خود رسیده، جز عمل کننده به من؛ پس به آن بهترین عطایای خود را برسان! آنگاه خداوند به او دو حله از حله های بهشتی ببوشاند، و بر سر او تاج کرامت نهاده می شود. سپس به او گفته می شود: آیا تو را در باره آن خوشنود ساختیم؟ قرآن می گوید: خدایا من بالاتر از آن انتظار داشتم. می فرماید: امن به دست راستش. و خلد به دست چپش داده شود. سپس وارد بهشت خواهند گردید. آنگاه به او گفته می شود آیه ای را قرائت کن و یک درجه بالا رو، بعد به قرآن گفته می شود: مقصود تو را رساندیم و تو را در حق او خوشنود نمودیم؟ پس گوید: خدایا بلی.

حضرت فرمود: و هر که بیشتر بخواند و به جهت شدت حفظ آن متعهد گردد، خداوند پاداش او را دو چندان دهد.^{۱۰۷} و نیز از آن سرور نقل گردیده: به راستی که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است به خواننده قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو.^{۱۰۸}

اما در ماه مبارک رمضان برای خواندن قرآن ثواب ویژه ای در نظر گرفته شده است. امام باقر (ع) فرمود: برای هر چیزی بهاری است، و بهار قرآن، ماه رمضان است.^{۱۰۹} و حضرت رضا (ع) می فرماید: هر کس در ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا بخواند، چنان است که یک ختم قرآن در غیر ماه رمضان نموده است.^{۱۱۰}

پی نوشتها:

۱. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۳.
۲. اقرب الموارد و مجمع البحرین.
۳. مفردات راغب: افتحنا علیهم برکات من السماء. لثبوت الخیر الالهی فیہ.
۴. مقیاس المصابیح، «اللهم اجعل ما انزلت من السماء الی الارض فی هذا الصباح و فی هذا الیوم برکه علی اولیائک و عذایاً علی اعدائک».
۵. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۱-۳۵۶.
۶. بقره، آیه ۱۰۵.
۷. سفینه البحار، لغت رحم.

٨ همان، ج ١، ص ٥١٧.

٩. همان.

١٠. همان، لا يهلك مؤمن بين ثلاث خصال: شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، وشفاعة رسول الله صلى الله عليه وآله، وسعت رحمة الله.

١١. نور، آية ٥٦، واقموا الصلوة واتوا الزكاة واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون.

١٢. آل عمران، آية ١٣٢: اطيعوا الله والرسول لعلكم ترحمون.

١٣. انعام، آية ١٥٥: وهذا كتاب انزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا لعلكم ترحمون.

١٤. نمل، آية ٤٦: لولا تستغفرون الله لعلكم ترحمون.

١٥. حجرات، آية ١٠.

١٦. بقره، آية ١٥٧: اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة...

١٧. نساء، آية ٤٨ و ١١٦: إن الله لا يغفر ان يشرك به.

١٨. منافقون، آية ٦: سواء عليهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم.

١٩. محمد، آية ٣٤: ان الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله ثم ماتوا وهم كفار فلن يغفر الله لهم.

٢٠. انفال، آية ٣٨: قل الذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف.

٢١. بقره، آية ٢٨٤: فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء.

٢٢. نساء، آية ٤٨: ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء.

٢٣. قمر، آية ١٩: انا ارسلنا عليهم ريحاً صرصراً في يوم نحس مستمر.

٢٤. فلق، آية ٣-٤، قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب.

٢٥. بحار الانوار، ج ٩٦، ص ١٢٥.

٢٦. مقياس المصابيح.

٢٧. اعلى، آية ١: سبح اسم ربك الاعلى.

٢٨. نصر، آية ٣: فسبح بحمد ربك.

٢٩. بحار الانوار، ج ٩٣، ص ٧٨: من قال سبحان الله وبحمده كتب الله له الف الف حسنة ومحى عنه الف الف سيئة و

رفع له الف الف درجة و من زاد الله و من استغفر غفر الله له.

٣٠. وافي، جلد ٢، باب فرض الصيام: قيلوا فان الله يطعم الصائم ويسقيه في منامه.

٣١. توبه، آية ٥٣: قل اتفقوا طوعاً او كرها لن يتقبل منكم انكم كنتم قوما فاسقين.

٣٢. مائده، آية ٢٧: انما يتقبل الله من المتقين.

٣٣. مفردات راغب، مجمع البحرين، اقرب الموارد.

٣٤. انفال، آية ٩.

٣٥. انفال، آية ٦٣: واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم.

٣٦. قمر، آية ١٠: رب انى مغلوب فانتصر.

٣٧. انبيا، آية ٨٩: رب لا تذرني فردا.

٣٨. ص، طه ٣٥. و هب لى ملكا لا ينبغى لاحد من بعدى.

٣٩. نوح، آية ٢٦: لا تذر على الارض من الكافرين ديارا.

۴۰. فرقان، آیہ ۷۷: قل ما بهینو بکم ربی لولا دعاؤکم.
۴۱. مؤمن، آیہ ۶۰ و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یتسکبرون عن عبادتی سیدخلون جہنم داخرین.
۴۲. طہ، آیہ ۱۱۴: یرقل رب زدنی علماً.
۴۳. اسراء، آیہ ۲۴: وقل رب ارحمہما کما ربیبائی صغیراً.
۴۴. فلق، آیہ ۱: قل اعوذ برب الفلق.
۴۵. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۸: الدعاء سلاح المؤمن و عماد الدین و نور السماوات والارض.
۴۶. ہمان، ج ۹۳، ص ۲۸۸: ان الدعاء یرد القضاء.
۴۷. ہمان، ص ۲۹۵: علیک بالدعاء فان فیہ شفاء من کل داء.
۴۸. ہمان، ص ۲۹۷: ان الدعاء انقذ من السلاح الحدید.
۴۹. ہمان، ص ۲۹۵.
۵۰. ہمان، ص ۳۷۸: ما من مسلم یدعوا اللہ الا یرستجب لہ فاما ان یجعل فی الدنیا و اما من یدخر للاخرہ و اما ان یکفر من ذنوبہ.
۵۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۷۶۲.
۵۲. یونس، آیہ ۸۹: قد اجیب دعوتکمما.
۵۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱: اسقما بدنہ و ضیقاً معیشتہ و عوقاً علیہ مطلبہ حتی یدعونی فانی احب صوتہ.
۵۴. ہمان.
۵۵. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۴: فیمتنی المرمن انه لم یرستجب لہ دعوة فی الدنیا مما یری من حسن الصواب.
۵۶. دعای کمیل.
۵۷. دعای شب عرفہ.
۵۸. مؤمن، آیہ ۶۰: ادعونی استجب لکم.
۵۹. فاطر، آیہ ۶: ان الشیطان لکم عدو فاتخذوہ عدواً.
۶۰. بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۷۶.
۶۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱: یا موسیٰ: ادعنی بالقلب النقی و اللسان الصادق و عن علی علیہ السلام: و خیر الدعای ما صدر عن صدر نقی و قلب نقی.
۶۲. ہمان، ص ۳۰۸ و ص ۳۱۳.
۶۳. مفردات: التوفیق من اللہ: توجیہ الاسباب نحو مطلوب الخیر.
۶۴. ہود، آیہ ۸۸: ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا باللہ.
۶۵. نہج البلاغہ، نامہ ۲۸.
۶۶. بحار الانوار، ج ۳ قدیم، ص ۴۹ بہ نقل از کنز الفوائد.
۶۷. سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۷۵: قال معناه لا حول لنا عن معصیہ الابعون اللہ و لا قوة لنا علی طاعة اللہ الا بتوفیق اللہ عزوجل.
۶۸. منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۲۹: المؤمن یحتاج الی ثلاث خصال: توفیق من اللہ و اعط من نفسه و قبول ممن ینصحہ.
۶۹. بقرہ، آیہ ۴۵: استعینوا بالصبر و الصلوٰة و العصر، ۳: و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

۷۰. توبه، آیه ۱۱۲: السائحون الراكعون الساجدون.
۷۱. بقره، آیه ۱۸۴.
۷۲. بقره، آیه ۴۵.
۷۳. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۶: الصوم يسود وجهه.
۷۴. همان: ولكل شيء زكاة، وزكاة البدن الصيام.
۷۵. همان، ص ۲۴۷: ما من صائم يحضر قوماً يطعمون الا سبحت اعظاؤه، وكانت صلاة الملائكة عليه وكانت صلاتهم له استغفاراً.
۷۶. همان: الصائم في عباده الله، وان كان نائماً على فراشه، ما لم يغترب مسلماً.
۷۷. همان: ص ۲۵۳: ان الله وكل ملائكة بالدعاء للصائمين.
۷۸. همان: اخبرني جبرئيل عن ربي انه قال: ما امرت احداً من ملائكتي ان يستغفروا لاحد من خلقي الا استجبت لهم فيه.
۷۹. قال ابو عبد الله الصادق عليه السلام: من صام يوماً في الحر، فاصاب ظمأً وكل الله له الف ملك يمسحون وجهه، وبيشرونه، حتى اذا افطر، قال الله عز وجل: ما اطيب ريحك، يا ملائكتي اشهدوا اني قد غفرت له.
۸۰. همان.
۸۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۸: في خبر ابى ذر انه سأل النبي صلى الله عليه وآله ما الصوم؟ قال: فرض مجزى و عند الله اضعاف كثيرة.
۸۲. همان و ص ۳۶۷: عليك بالصوم، فانه زكاة البدن، و جنة لاهله.
۸۳. همان، ص ۲۴۹: كل عمل ابن ادم هو له غير الصيام، هو لى، و انا اجزى به.
۸۴. همان، ص ۲۵۲: ان الجنة باباً يدعى الريان لا يدخل منه الا الصائمون.
۸۵. همان، ص ۲۵۳.
۸۶. همان، ص ۲۵۰: ولخوف فم الصائم، اطيب عند الله عز وجل من ريح المسك، والصائم يفرح بفرحتين: حين يفطر فيطعم و يشرب، و حين يلقانى فادخله الجنة.
۸۷. همان، ص ۲۵۵: صوموا تصحوا.
۸۸. همان، ص ۲۵۶: قال الصادق عليه السلام: افضل الجهاد الصوم في الحر.
۸۹. همان، ص ۲۵۷: بنى الاسلام على خمس دعائم: على الصلوة والزكاة والصوم والحج و ولاية امير المؤمنين والائمة من ولده صلوات الله عليهم.
۹۰. همان، ص ۳۷۱: يا جابر هذا شهر رمضان من صام نهاره و قام ورداً من ليله، و عف بطنه و فرجه، و كف لسانه، خرج من ذنوبه كخروجه من الشهر. فقال جابر: يا رسول الله! ما احسن هذا الحديث؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جابر و ما اشد هذه الشروط؟
۹۱. همان، ص ۳۶۹: عن حمزة بن محمد قال: كتبت ال ابى محمد العسكري (ع) لم فرض الله عز وجل الصيام؟ فورد في الجواب: ليحد الغنى مس الجوع فيمن على الفقير.
۹۲. همان، ص ۳۷۰: عن الرضا (ع) علة الصوم: لعرفان مس الجوع والعطش، ليكون العبد ذليلاً، مستكيناً، ماجوراً محتسباً صابراً، فيكون ذلك دليلاً على شدائد الاخرة، مع ما فيه من الانكسار له عن الشهوات واعطال له في العاجل دليلاً على الاجل.

۹۳. همان، ص ۳۸۱: فاراد الله ان يستوى بين خلقه.
۹۴. همان، ص ۳۷۰.
۹۵. بقره، آیه ۲۳: و ان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله.
۹۶. اسراء، آیه ۹۰: نل لئن اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيراً.
۹۷. نساء، آیه ۸۲: انلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً.
۹۸. حجر، آیه ۹: ان نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون.
۹۹. شعراء، آیه ۹۲: انه لتنزيل رب العالمين نزل به الروح الامين على قلبك لتكون من المنذرين.
۱۰۰. بقره، آیه ۱۸۵: شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبنات من الهدى والفرقان.
۱۰۱. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۳: و اني تارك فيكم الثقلين: احدهما اكبر من الاخر، كتاب الله تبارك و تعالی حبل ممدود من السماء الى الارض، و عترتي اهل بيتي، فانظروا كيف تخلفوني فيهما!
۱۰۲. همان، از خصال، ج ۱، ص ۷۱.
۱۰۳. همان، ص ۱۳: من اعطاه القرآن فرأى احداً اعطى شيئاً افضل مما اعطى، فقد صغر عظيماً و عظم صغيراً.
۱۰۴. همان، ص ۴: اعطيت خمسا لم يعطهن نبي كان قبلي: ارسلت الى الابيض والاسود والاحمر، و جعلت لي الارض مسجداً، و نصرت بالرعب، و احلت لي العنانم، و لم تحل لاحد أو قال لئبي قبلي و اعطيت جوامع الكلم، قال عطا: فسألت ابا جعفر عليه السلام قلت: و ما جوامع الكلم؟ قال: القرآن.
۱۰۵. نهج البلاغه، كدام ۱۵۵: وليكم بكتاب الله، فانه الحبل المتين، و النور المبين، و الشفاء النافع، و الرى النافع، و العصمة للمتمسك و النجاة للمتعلق، لا يعوج فيقام، و لا يزيغ فيستعجب، و لا تخلقه كثرة الرد و ولوج السمع، من قال به صدق و من عمل به سبق.
۱۰۶. همان: من قرء القرآن فهو غنى و لا فقر بعده و الا ما به غنى.
۱۰۷. همان: من قرء القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه، جعله الله مع السفرة الكرام البرره و كان القرآن حبيباً عنه يوم القيمة و يقول: يا رب ان كل عامل قد اصاب اجر عمله غير عاملى، فبلغ به كريم عطا يا ك، فيكسوه الله عز و جل حاتين من حلال الجنة، و يوضع على رأسه تاج الكرامه: ثم يقال به: هل ارضيناك فيه؟ فيقول القرآن: يا رب قد كنت ارنجب له فيما هو افضل من هذا، قال: فيعطى الامن بيمينه، و الخلد بيساره، ثم يدخل الجنة فيقال الله: اقرء و اصعد درجه، ثم يقال له بلغنا به و ارضيناك فيه؟ فيقول: اللهم نعم، قال: و من قرء كثيراً و تعاهد من شده حفظه اعطاه الله اجرا هذا مرتين.
۱۰۸. همان، ص ۱۸۸: فان درجات الجنة على قدر عدد آيات القرآن فيقال: لقارى القرآن اقرء و ارق.
۱۰۹. همان، ص ۲۱۳: لكل شىء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان.
۱۱۰. همان، ج ۹۶، ص ۳۴۱: من قرء فى شهر رمضان آيه من كتاب الله عز و جل كان كمن ختم القرآن فى غيره من الشهور.